

زنان پیش از اسلام

واژه عربی نکاح که به قول مفسران اسلامی و فقها به معنی تزویج است در حقیقت واژه ای قدیمی سامی است که به معنی دخول آلت تناسلی است. در قرآن کلمات زیادی است که معنی آنها اعضای بدن انسان یا حیوان است که معنی آنها هر انسانی را حتی اگر آنچنان هم حساس نباشد می آزد. برای عربهای زمان جاهلیت بسیار عادی بود که در وصف آلت تناسلی خود شعر بسرایند. به مرور زمان این واژه ها معنی خود را تغییر داده و معنی جدیدی به خود گرفتند. بنا بر این اصلاً "شگفت انگیز نیست که واژه ای که در قرآن برای ازدواج استفاده شده است در اصل به معنی دخول آلت تناسلی باشد نه ازدواج. زنان پیش از اسلام به مراتب از آزادی بیشتری نسبت به بعد از اسلام برخوردار بودند. آنها نسبت به دوستان شوهر خود مهمان نواز بودند. این زنان با مردان برابر بودند و می توانستند با هر مردی، با هر رتبه اجتماعی دوست شوند. زنان در گرد هم آیی های عمومی شرکت می کردند و در جنگ با دشمنان دوشادوش شوهرانشان به میدان مبارزه می رفتند. از زخمیهایی جنگ پرستاری می کردند و برای تهیه جنگجویان شعر حماسی می خواندند.

عده بیشتر زنان عرب، چادر نشین بودند و این زنان چادر نشین نسبت به زنان شهری که در پاره ای از شرایط باید قوانین خاصی را رعایت می کردند، از آزادی بیشتری برخوردار بودند. زنان چادر نشین به راحتی با مردان نشست و برخاست می کردند. یا به پای مردان کار می کردند، شیر می دوشیدند، گله می چراندند و مردان را در چادر های خود پذیرا می شدند. و هر وقت از آنها خسته می شدند آنها را مرخص می کردند. زنان پیش از اسلام شوهرانشان را خودشان انتخاب می کردند. در زمان احتیاج برای کمک، به قبیله خود پناه میبردند. آنها در حقیقت برای قبیله خود یک امتیاز به حساب می آمدند. در کشورهای همسایه که بعدها توسط حکمرانان عرب فرمانروایی شد زنان از موقعیت بهتری نسبت به زنان شبه جزیره عربستان برخوردار بودند. در اینجا به صورت خلاصه در باره وضعیت زنان در پاره ای از این کشورها پیش از ظهور اسلام سخن خواهیم راند.

زنان در مصر قدیم

وضعیت زنان مصری پیش از ظهور اسلام بسیار مطلوب بود. آنان به راحتی می توانستند به مرد مورد نظر خود اظهار عشق کرده یا پیشنهاد ازدواج بدهند. اگر شرایط زندگی برای او نامساعد بود به راحتی می توانست شوهر خود را طلاق دهد. آنان همچنین آزاد بودند که برای ازدواج خود شرایطی را در معاهده ازدواج مقرر کنند. زنان مصری بدون حجاب بوده و بدون هیچ گونه ترس از پیگرد، در مجامع عمومی شرکت می جستند. آنها می توانستند تجارت کنند و برای دیدن خویشان و آشنایان به شهرهای دیگر بروند. این یک حقیقت است که در نوشته های بسیاری از تاریخ نویسان قدیم مصر تصدیق شده است. بعضی از محققان اظهار می دارند که زنان مصری از موقعیت بهتری نسبت به زنان جوامع متمدن هم عصر خود برخوردار بودند. ویل دورانت می گوید زنان مصری موقعیت بهتری نسبت به زنان امروزی در بعضی از جوامع داشتند. هیچ ملیتی چه در دوران گذشته چه در دوران کنونی به زن اینچنین منزلتی که مصریان پیش از اسلام به زن میدادند، نداده اند. بعضی از زنان مصری به مقام های سیاسی خیلی مهم نائل می شدند. برخی ملکه می شدند. هاتشپسوت و کلئوپاترا نمونه دو زن مصری هستند که در زمان قدیم به موقعیت های سیاسی خیلی مهم دست یافتند. این دو زن بر کشور خود به خوبی مردانی که پیش از آنان فرمانروا بودند، حکمفرمایی کردند. آنان همانند مردان هم عصر خود مصمم به جنگ می رفتند یا اینکه پذیرای صلح می شدند. فرعونهای قدرتمند بسیار مواظب بودند مبادا زانانشان آزاده خاطر شوند. آنان به زنان احترام می گذاشتند و به پسران خود نصیحت می کردند که با همسرانشان با مهربانی رفتار کنند. یکی از فرعونها به پسرش می گوید "قلب او را شاد نگه دار زیرا او همانند مزرعه ای است که به صاحبش منفعت می رساند. اگر با او بد رفتاری کنی او ترا نابود می کند. این نصیحت فرعون کاملاً" با گفته قرآن که می گوید زنان کشتزار شماینند از هر طرف خواستید بر آنها وارد شوید، تفاوت دارد. در قرآن اصلاً "رضایت زن مهم نیست.

در حقیقت زنان مصری پیش از اسلام از آنچنان آزادی برخوردار بودند که مسافرانی که به مصر می رفتند از این همه آزادی متحیر بودند. در قرار داد ازدواج مطیع بودن شوهر صریحاً" یکی از ملزومات بود. دیودورس سیکولوس، نویسنده یونانی در باره این که مطیع بودن شوهر چقدر مهم بود سخن گفته است. در آن زمان زنان دارای شوهر را مدیریت می کردند. در حقیقت سرور خانه زنان بودند. بردگان و خدمتکاران همگی مطیع امر زنان بودند. در پاپیروس های بدست آمده از مصر قدیم هیچ طلاق دیده نشده است.

زنان در بابل

زنان بابلی اگر چه به اندازه زنان مصری ارج و قرب نداشتند اما نسبت به 1400 سال پیش تا کنون از موقعیت بهتری برخوردار بودند. زنان بابلی از خودکفایی بی نظیری برخوردار بودند. حمایت از حقوق زنان یکی از بارزترین دستاوردهای دنیای قدیم بود. مطابق قانون حمورابی مرد موظف به نگهداری از زنش بود و

اگر زن به خاطر ناتوانی جسمی از انجام امور منزل در می ماند شوهر حق نداشت او را طلاق دهد.. اگر مرد بابلی سرخود زنش را ترک می کرد و به شهر دیگری می رفت زن مجاز بود با هر مردی که دوست داشت ازدواج کند و اگر شوهر اول بر می گشت حق هیچگونه اعتراضی نداشت. در موقع طلاق حضانت بچه ها بر عهده مادر بود و پدر موظف بود نفقه و خرج زندگی آنها را بدهد. وقتی که شوهر می مرد قسمتی از دارایی او به زنش تعلق می گرفت. يك زن به صورت خودکفا به تجارت می پرداخت و بیشتر معاملات به وسیله زنان انجام می شد.

اگر چه بعداً" خواهیم دید که بسیاری از قوانین اسلام سر منشا خود را از قوانین آشوری و بابلی گرفته است اما قوانین این دو کشور قدیمی از قوانین اسلام که تا کنون از آن استفاده می شود بسیار پیشرفته تر بوده است. زنان در عیلام

بر اساس کاوشهای باستان شناسان در شهر شوش، ما مطمئن هستیم که زنان شوشی از موقعیت اجتماعی خیلی بالایی برخوردار بودند و با آنان همانند مردان رفتار می شد. لوحه های نوشته شده به خط میخی در عیلام (شوش) نشان می دهند که زنان عیلامی بدون هیچگونه تشریفات و محدودیتی به دادگاه می رفتند و شهادت می دادند. از ادعای خود پرونده می ساختند یا از حق خود دفاع می کردند. امضا آنان در کنار امضا مردان همثای خود در معاهده ها دیده می شود. در یکی از این معاهده ها می بینیم که مردی تمام دارایی خود را به دختر متاهلش بخشیده است. در يك معاهده دیگر می بینیم که پدری مزرعه خود را به دخترش بخشیده و او نیز آن را به دختر خود منتقل کرده است. در يك معاهده دیگر می بینیم که مادری با دو پسر و يك دختر تمام دارایی خود را به دخترش می بخشد. و پسران در حضور شاه سوگند یاد می کنند که هیچگاه تقاضای میراث نکنند. مردان عیلامی احترام زیادی برای زنان قائل بودند. و زنان در موضوعات گوناگون دارای امتیازات ویژه ای نسبت به مردان بودند. در یکی از لوحه ها نوشته شده است که مردی وصیت می کند تا زمانی که زنده است دخترش از او پرستاری کند و همینکه مرد دخترش مسئول رسیدگی به امور معبد و دادن زکات و انجام قربانی است. و اگر پسرهایش اعتراضی کردند زبان و دستشان را باید ببرند و به اندازه 4 مینا (يك مینا برابر با 6 شکل بود) غرامت بدهند. از 6 نفر شاهدهی که قرار داد را امضا کردند 4 نفر زن بود. یکی از زنان عیلامی پادشاه شوش شد. او خواهر شیلخاخا بود و مادر بزرگ سلسله بزرگ عیلام بود. زنان در هندوستان

در یکی از قوانین هندی نوشته شده است که حق احترام مادر هزار برابر پدر است. در هندوستان قدیم زن از ارج و قرب زیادی برخوردار بود. و مردان حتی رویای آزار زنان را هم در سر نمی پروراندند. در منتهای خود می گفتند نباید زن را حتی با گل بزیم.

از منتهای قدیم هندی پیداست که پیش از اسلام زنان هندی از آزادی بیشتری برای انتخاب همسر و همینطور شرکت در گرد هم آیی های عمومی برخوردار بودند. در برگزاری مراسم مذهبی و تشریفات هم پای مردان بودند. در عیلهای و جشنها به آزادی شرکت می کردند و می رقصیدند و در اجرای مراسم قربانی دوشادوش مردان شرکت می کردند. در نقاطی از هندوستان که دین اسلام مسلط شد مراسم اسلامی جای خود را به مراسم مذهبی و اجتماعی قدیم داد و زنان از گرد هم آیی های عمومی منع شدند. زنان رفته رفته محدود شده و امتیازات خود را از دست دادند. آنان مجبور به پذیرفتن حجاب شدند. حجاب در در جامعه آنان سابقه نداشت. این تغییرات و از دست رفتن آزادی زنان بازتاب خود را در کشورهایی که از آنها سخن گفتیم به خوبی نشان داد

ترجمه بخشی از کتاب زنان و قرآن نوشته انور حکمت صفحه 93 تا 99
مترجم: ننه نقلی

iran_sarboland@yahoo.com

با تشکر از دوست عزیزی که این کتاب را به من هدیه دادند

بایگانی در سایت <http://www.kaafar.com/> باهماد ایرانیان خردگرا